

Research paper
1(2), 129-151, Spring and Summer, 2023

Conceptualization of "Ta'arof" in Teaching Persian Language to Non-Persian Speakers

Zahra Meraji¹

Article Info

Article type:
Research article

Article history:
Received: 30 April 2023
Accepted: 6 July 2023

Keywords:
Iranian Ta'arof,
speech act,
Iranian social communication,
Persian,
non-Persian speakers.

ABSTRACT

The term "Ta'arof" is one of the most important components of the cultural identity of Iranians and the main element of Persian ritual literature, which plays an important role in the communication between Iranians and intercultural communication between Iranians and non-Iranians. Identifying "Ta'arof" is one of the major possibilities and conditions in identifying the state of Iranian culture and daily life. Using formal sociology (Zimel, 1971) and speech act theory (Austin, 1962) in linguistics, this article examines the position of "Iranian Ta'arof" in Persian language teaching and its verbal complexities. 'Iranian Ta'arof' has many different aspects and vary according to the position, age, education and social level of people. The purpose of this study is to investigate the level of knowledge of foreign Persian-language learners in learning 'Iranian Ta'arof' in different situations and conditions of conversations and daily life. The statistical population was foreign Persian- language learners of advanced and supplementary courses at Allameh Tabataba'i University in Tehran and Ferdowsi University in Mashhad. Among them, 9 people, aged 21 to 39, were selected by simple random sampling. The research method was done in the form of face-to-face interviews with foreign Persian-language learners through a questionnaire. The results showed that the level of knowledge of foreign Persian learners in learning 'Iranian Ta'arof' was high and they considered the teaching of 'Iranian Ta'arof' necessary to improve the quality of learning Persian language. Also, the findings showed that familiarity with the cultural mechanism of Ta'arof leads to a better reception of Ta'arof messages by Persian learners, so that they can consciously take advantage of it in strengthening social communication.

Cite this article: Meraji, Z. (2023). "Conceptualization of "Ta'arof" in Teaching Persian Language to Non-Persian Speakers". *Journal of Linguistic Studies: Theory and Practice*, 1 (2), 129-151.



© The Author(s).

Publisher: University of Kurdistan.

DOI: 10.22034/JLS.2023.62826

1. MA in Linguistics, Faculty of Letters and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. E-mail: merajizahra5@gmail.com

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ وصول:

۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش:

۱۵ تیر ۱۴۰۲

واژه‌های کلیدی:

تعارفات ایرانی،

کنش گفتار،

ارتباطات اجتماعی ایرانی،

زبان فارسی،

گویشوران غیرایرانی.

چکیده

اصطلاح «تعارف» از مهم‌ترین مؤلفه‌های هویت فرهنگی ایرانیان و عنصر اصلی ادب آیینی فارسی است که نقش مهمی را در ارتباطات ایرانیان و ارتباطات بین‌فرهنگی میان ایرانیان و غیرایرانیان ایفا می‌کند. شناسایی «تعارف» یکی از امکان‌ها و شرایط عمده در شناسایی وضعیت فرهنگ و زندگی روزمره ایرانی است. این مقاله با بهره‌گیری از جامعه‌شناسی صوری (زیمل، ۱۹۷۱) و نظریه کنش گفتار (آستین، ۱۹۶۲) در زبان‌شناسی به بررسی جایگاه «تعارف ایرانی» در آموزش زبان فارسی و پیچیدگی‌های کلامی آن پرداخته است. تعارف ایرانی جنبه‌های مختلف و متعددی دارد و به نسبت موقعیت، سن، تحصیلات و سطح اجتماعی افراد، متغیر است. هدف از پژوهش حاضر بررسی میزان آگاهی و دیدگاه فارسی‌آموزان خارجی از یادگیری تعارفات ایرانی هنگام قرارگیری آن‌ها در شرایط مختلف است. جامعه پژوهش، فارسی‌آموزان خارجی دوره‌های پیشرفته و تکمیلی دانشگاه علامه طباطبایی تهران و دانشگاه فردوسی مشهد بودند. از میان این‌ها ۹ نفر، ۲۱ تا ۳۹ ساله به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. روش تحقیق در پژوهش حاضر، به صورت مصاحبه غیرحضوری با فارسی‌آموزان خارجی از طریق پرسشنامه انجام گرفته است. نتایج پژوهش نشان داد که میزان آگاهی بسیاری از فارسی‌آموزان خارجی برای یادگیری تعارفات ایرانی زیاد بود و آموزش تعارفات ایرانی را برای ارتقاء کیفیت یادگیری زبان فارسی الزامی دانستند. به دلیل ناآشنایی زبان‌آموزان غیرفارسی‌زبان با تعداد محدودی از ساختارهای اجتماعی تعارف و کنش‌های گفتاری با مشکل مواجه می‌شدند. همچنین، یافته‌ها نشان داد که آشنایی با سازوکار فرهنگی تعارف، موجب دریافت بهتر پیام‌های تعارف توسط فارسی‌آموزان می‌شود، به طوری که در تقویت ارتباطات اجتماعی می‌تواند آگاهانه از آن بهره بگیرند.

استناد: معراجی، زهرا (۱۴۰۲). «مفهوم‌سازی «تعارف» در آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان». پژوهش‌های زبان‌شناسی:

نظریه و کاربرد، ۱ (۲)، ۱۵۱-۱۲۹.

ناشر: دانشگاه کردستان



حق مؤلف: نویسندگان

DOI: 10.22034/JLS.2023.62826

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

E-mail: merajizahra5@gmail.com

۱. مقدمه

فرهنگ ایرانی فرهنگی است که قرن‌ها تجربه دانش، حکمت، سنت‌ها و آداب و رسوم را پشت سر گذاشته و قدمتی طولانی دارد. یکی از ویژگی‌های فرهنگ ایرانی «تعارف» است. در برخی از این پژوهش‌ها به تعاریف لغوی تعارف اشاره شده و بر ضرورت آموزش آن برای فارسی-آموزان خارجی تأکید شده است. در اغلب این تحقیقات بر این نکته تأکید شده است که زبان-آموزان برای درک و ارتباط با این رفتار فرهنگی ایرانیان، نیازمند شناخت و استفاده از الگوهای ثابت و گاه اجتناب‌ناپذیر در ارتباطات خود هستند. اگرچه این مطالعات کمک زیادی به درک مفهوم تعارف کرده است، اما توسعه دانش نظری ما در مورد «تعارف» مستلزم تحقیقات بنیادی و میدانی گسترده‌تری است. این مطالعات بیشتر به تعریف و درک نادرست «تعارف» توسط زبان‌آموزان خارجی و کمتر به موضوعات جامعه‌شناختی و روان‌شناسی پرداخته است. نتایج آموزش «تعارف» در این پژوهش «بر اساس سطح شناخت و درک ارتباط در یک موقعیت خاص» می‌تواند در رویکرد مدرسان به آموزش تعارف، بازخورد فارسی‌آموزان خارجی از تعارف، تهیه و تدوین متون آموزشی مناسب که شامل این مفاهیم که این پژوهش به‌طور خاص به بررسی موضوع «دیدگاه فارسی‌آموزان خارجی به مفهوم تعارفات ایرانی» می‌پردازد. مقالات متعددی در این زمینه مورد بحث و بررسی قرار گرفته است و هدف از این پژوهش بررسی این مقالات و تأثیر آن بر فارسی‌آموزان خارجی است. در ادامه، قدری به معرفی اجمالی این اصطلاح خواهیم پرداخت.

شایان ذکر است که یکی از پدیده‌های زبانی که به وفور در اجتماع رخ می‌دهد، «تعارف» است. این مفهوم معمولاً و به‌طور گسترده در جامعه بشری برای احوالپرسی، تشویق، تشکر و ستایش در یک گفتگو استفاده می‌شود. تعریف و تمجید یک کنش گفتاری است که به‌طور صریح و ضمنی اعتباری را به شخص دیگری غیر از گوینده نسبت می‌دهد. معمولاً شخصی که برای برخی «محصولات» (مالکیت، مهارت، ویژگی‌ها و ...) مورد خطاب قرار می‌گیرد که توسط گوینده و شنونده ارزش مثبت دارد. علاوه بر این، کارکرد اصلی تعریف و تمجید به جای ارجاع یا اطلاع‌رسانی، عاطفی و اجتماعی است.

واژه «تعارف» در زبان فارسی معانی مختلفی دارد: «یکدیگر را شناختن، آشنایی و احوالپرسی، کسی را به مهمانی دعوت کردن، گرفتن تحفه و هدیه، هدیه و پیشکش» (دهخدا، ۱۳۸۵)؛

خوشامدگویی و احوالپرسی متکلفانه در ابتدای دیدار (شاملو، ۱۳۷۹)؛ خوشامدگویی، هدیه، عرضه چیزی یا خدمتی به کسی به صورت مجانی و به عنوان رفتاری دوستانه، تشریفات (صدری افشار و حکمی، ۱۳۷۵)؛ یکدیگر را شناختن، خوشامد گفتن به یکدیگر، پیشکش دادن، اظهار آشنایی، خوشامدگویی، پیشکش، هدیه (معین، ۱۳۸۲). در بعضی از تحقیقات به تعریف‌های لغوی تعارف نیز اشاره و بر لزوم آموزش آن برای زبان‌آموزان غیرفارسی‌زبان تأکید شده است. در بیشتر این تحقیقات تأکید شده است که زبان‌آموزان خارجی برای درک و برقراری ارتباط با این رفتار فرهنگی ایرانیان نیازمند شناخت و استفاده از الگوهایی ثابت و گاه اجتناب‌ناشدنی در روابط خود هستند. هرچند این تحقیقات به شناخت از تعارف کمک بسیار کرده‌اند، اما گسترش دانش نظری ما درباره تعارف نیازمند پژوهش‌های بنیادی و میدانی گسترده‌تری است. این پژوهش‌ها بیشتر به تعریف و بدفهمی خارجیان از تعارف اشاره کرده‌اند و کمتر به مسائل جامعه‌شناختی و روان‌شناختی پرداخته‌اند. تعارف در ارتباطات اجتماعی افراد دارای صورت و محتوایی است (ارمکی و بیکران بهشت، ۱۳۸۹: ۱۹۸) که شناختن این دو برای افرادی که با تعارف روبه‌رو می‌شوند ضروری است.

تعارف بخشی از رفتارهای اجتماعی ایرانیان است و به نسبت نوع رابطه آن‌ها در اشکال مختلف از آن استفاده می‌کنند. تعارف: زبانی، غیرزبانی، محبت و رفتارهای هدفمند (فایکا، ۱۳۹۵: ۱۱۱) مانند بسیاری از رفتارهای اجتماعی و روان‌شناختی انسان‌ها دارای صورت و باطنی است.

صورت تعارف بعد ظاهری و تجلی‌یافته آن است که در روابط دوطرفه فردی یا گروهی دیده می‌شود و شکل باطنی و پنهان آن ارتباطات کلامی و غیرکلامی است که در این ارتباطات مبادله می‌شود. هر دو شکل ظاهری و باطنی تعارف برای جامعه زبانی ایرانی با مشترکات فرهنگی نسبتاً یکسان، تقریباً قابل درک و رمزگشایی است.

۲. پیشینه پژوهش

تعارف از مؤلفه‌های مهم فرهنگ زیست روزمره ایرانی است که به دلیل ویژگی‌های خاص فرهنگی-زبانی می‌تواند از دیدگاه‌های زبان‌شناسی، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی و روان‌شناسی بررسی شود (آزاد ارمکی و بیکران بهشت، ۱۳۸۹). در بسیاری از ارتباطات ایرانیان، از ساده‌ترین روابط اجتماعی کلامی و غیرکلامی گرفته تا ارتباطات مکتوب و رسمی، تعارف حضور پررنگی

دارد. مردم از کودکی با اشکال تعارف آشنا می‌شوند و از آن به‌عنوان پدیده‌ای نسبتاً ضروری در ارتباطات خود استفاده می‌کنند، گویا بدون تعارف دچار سوء تفاهم می‌شوند. در بیشتر موارد، تعارف ابزاری است در بیان مقاصد و خواسته‌هایی که بنا به دلایل فرهنگی نمی‌توان آن‌ها را مستقیم بیان کرد. این رفتار برای غیر ایرانیان باعث سوء تفاهم و گاه دریافت پیام‌های غلط و منفی می‌شود. تعارف، از نظر تعریف واژگانی و نیز مفاهیم فرهنگی برای غیر ایرانیان واضح نیست. از این رو، معمولاً این گونه برداشت می‌شود که ایرانیان در رفتارهای خود صادق نیستند (همان، ۱۳۸۹).

تاکنون پژوهش‌های ارزنده‌ای درباره جایگاه تعارف و اهمیت آن شده است. بیشتر این پژوهش‌ها تعارف را به‌عنوان رفتار خاص فرهنگ ایرانی توصیف و قضاوت‌هایی بر اساس برداشت‌های ظاهری از آن ارائه کرده‌اند؛ تعارف به‌عنوان رفتاری چاپلوسانه و اغراق‌آمیز (سرنه، ۱۳۶۲) رفتاری عاری از حقیقت و دور از حشمت (شاردن، ۱۳۵۰) و مهمان‌نوازی در حد کمال (نوردن، ۱۳۵۶).

فارسی‌آموزان خارجی، به‌ویژه آنان که در داخل ایران فارسی می‌آموزند، خواسته یا ناخواسته با این رفتار ایرانیان مواجه می‌شوند و ضروری است برای درک بهتر روابط و قرار گرفتن در یک رابطه دوسویه، قادر باشند علاوه بر رمزگشایی از کدهای کلامی، با ساختارهای اجتماعی این رفتار آشنا شوند. در این پژوهش بعد ساختاری جامعه‌شناسانه تعارف از دیدگاه زیمل و کارکردهای کلامی و غیرکلامی آن براساس نظریه جان آستین^۱، در کنار هم، به‌عنوان یکی از رفتارهای فرهنگی مهم ایرانیان بررسی می‌شود. طبق نظریه کنش‌های کلامی آستین «جملات کاربردهای کنشی دارند (ساجدی، ۱۳۸۱: ۱۲۲) و نمی‌توان به‌سادگی درمورد کلام قضاوت کرد. این کنش‌های کلامی در بافت رابطه دوطرفه و متقابل گفت‌وگو که در ساختار صورتی تعارف جریان می‌یابد، باید تعادل و توازن را حفظ نماید تا این رفتار فرهنگی اجتماعی ایرانی شکل بگیرد. این پژوهش با در نظر گرفتن این دو نظریه با ارائه پیشنهادهایی بر لزوم زبان‌آموزان غیرفارسی‌زبان تأکید می‌نماید.

1. J. Austin

۳. مبانی نظری پژوهش

از نگاه جامعه‌شناسان، تعارف موضوعی اجتماعی است که مربوط به رفتارهای دوطرفه افراد است. زیمل (Simmel, 1971, p. 25)، جامعه‌شناس آلمانی، بر تفکیک صورت‌های اجتماعی از محتوای آن‌ها اعتقاد دارد و بیان می‌کند این تفکیک از طریق انتزاع صورت کنش‌های متقابل اجتماعی در موقعیت‌های گوناگون و با محتواهای متفاوت حاصل می‌شود. ارمکی و بیکران بهشت (۱۳۸۹: ۱۹۸) با استناد به این دیدگاه، در مورد تعارف اعتقاد دارند «به‌جای پرداختن به تعارفات معمول در زمینه‌ها و موقعیت‌های مختلف باید صورت اجتماعی آن را مطالعه کرد. از دیدگاه تحلیل صوری، با صرف نظر از انگیزه‌های گوناگونی که در رفتار تعارف‌آمیز نقش دارند، تعارف همواره مستلزم صورت درخواست و امتناع است. در تعارف، مستقل از محتوایی که دارد، همواره یک طرف پیشنهاد می‌کند و طرف دیگر از قبول پیشنهاد سر باز می‌زند. به همین سبب در ادبیات رایج تعارف کردن هم به معنای پیشنهاد لطف است» در این نگاه صوری به تعارف، فاصله اجتماعی در مفهوم نزدیکی و دوری حسی تأثیر دارد. میزان این فاصله در فرهنگ‌ها متفاوت است. هرچه میزان فردگرایی بیشتر باشد، ارتباط حسی و عاطفی کمتر و در نتیجه تعارف کمتر است. در جامعه فرهنگی ایران، به دلیل ویژگی‌های عاطفی و ارتباطات نزدیک تعارف بیشتر است.

شکل باطنی تعارف؛ ارتباطات کلامی و غیرکلامی، در آموزش زبان فارسی به‌عنوان زبان دوم از دیدگاه نظریه آستین (1955) قابل تأمل است. آستین (1962) در نظریه خود بیان می‌کند کارهای مختلفی را با کلمات می‌توانیم انجام دهیم. از نظر وی کنشی که در نتیجه گفتار باشد به گوینده کمک می‌کند تا با گفتن یک جمله یا پاره‌گفتار، عملی را انجام دهد.

طبق تقسیم‌بندی‌های آستین، تعارف در دو بخش غیرمعنایی و تأثیری قابل بررسی است. برای مثال موقعیت هدیه‌دادن در فرهنگ ایرانی را در نظر می‌گیریم. هدیه‌دهنده می‌گوید: «... قابل نداره، از آب گذشته است. برگ سبزی است تحفه درویش و...» و هدیه‌گیرنده می‌گوید: «خواهش می‌کنم، اختیار دارید، خیلی هم قابل داره، از سرمون هم زیاده، ایشالا جبران کنیم و...» در جمله‌های فرد اول، بین صورت و محتوای پیام تفاوت هست و از نظر کنش غیرمعنایی، مفهوم تحت‌اللفظی پیام‌ها با مفهوم درونی تفاوت دارد. هم‌چنین از نظر کنش تأثیری، هدیه‌گیرنده نیز با جملات و اصطلاحاتی که مفاهیم درونی و صوری‌شان تفاوت دارد، پاسخ می‌دهد. در این

تعارف، هر دو کنش غیربیانی و تأثیری در پاره‌گفتارهای نابه‌جا اتفاق افتاده‌اند. اکنون زبان‌آموز غیرفارسی‌زبانی را در نظر بگیریم که در چنین موقعیتی قرار گرفته و فقط شاهد تبادل این گفت‌وگوها بین دو ایرانی است. از نظر وی هدیه‌ای رد و بدل شده و عباراتی بیان شده است که هیچ ارتباطی با موضوع ندارد. هرچه تفاوت‌های فرهنگی او با زبان و فرهنگ ایرانی بیشتر باشد، درک وی از عبارات و کلام رد و بدل شده کمتر خواهد بود. حال اگر خود در موقعیت هدیه‌دهنده یا هدیه‌گیرنده باشد و هیچ‌گونه آشنایی با این رفتار نداشته باشد، قاعده تعادل در رفت و برگشت کلام را در این موقعیت رعایت نخواهد کرد. از نظر وی صورت عمل، هدیه دادن، هدیه گرفتن، کلامی که باید رد و بدل شود و تشکر از هدیه‌دادن است. درحالی‌که، صورت عمل هدیه‌دادن و گرفتن بین دو ایرانی، قاعده تبادل کلام ناشی از کم‌ارزش جلوه‌دادن هدیه در مقابل هدیه‌گیرنده و باارزش جلوه‌دادن هدیه از طرف هدیه‌گیرنده است.

آنها، علاوه بر این بازی پنهان، که هر دو به خوبی با قواعد آن آشنایی دارند، از اصطلاحات و عباراتی هم در گفتار استفاده می‌کنند. گاه این ناآگاهی از ویژگی‌های صوری و باطنی تعارف برای زبان‌آموزان خارجی باعث سرخوردگی در روابط و رویارویی با فرهنگ ایرانی می‌شود.

تعارف در پژوهش‌ها نیز این‌گونه توصیف شده است: مجموعه گسترده‌ای از رفتارهای مؤدبانه که سبک‌های خوبی را نسبت به شادی و آسایش دیگران ارائه می‌کند (Kerbrat-Orecchioni, 2012; Taussig, 2002; Orecchioni, 2012); مفهومی اجتماعی است با آداب معاشرت و شکل‌های متمایز، تشریفات مذهبی و کاربردهای مختلف (Pan & Kádár, 2011); طیف وسیعی از نشانه‌های زبانی و غیرزبانی که از ادراک افراد از روابط بین فردی و تفسیر محیط اجتماعی حکایت می‌کند (Ambady & et al, 1996). از نظر گافمن (Goffman, 1959)، تعارف کاتالیزوری برای ایجاد فعل و انفعالات اجتماعی است که بسته به تنوع معیارهایی از قبیل مفهوم فاصله (قدرت) اجتماعی، رسمی بودن موقعیت فعل و انفعالات اجتماعی و درجه تأثیرگذاری بر دیگران، در فرم‌ها و درجات مختلف نمود پیدا می‌کند (Ambady & et al, 1996; Kerbrat-Orecchioni, 2012)، مثلاً اگر سطح زندگی اجتماعی افراد بالا رود، به مؤدب‌تر بودن تمایل دارند (Spencer-Oatey, 2005) و آن را نشانه تشخیص می‌دانند. در این حالت تعارف نشانه تشخیص است و از قالب

عمومی تقاضا بالاتر می‌رود.

تعارف، الزاماً حرکتی واقعی برای ابراز نیت‌های حقیقی، نگرش‌ها و یا احساسات افراد نیست، بلکه می‌تواند استراتژی برای دستیابی به اهداف قطعی مانند حفظ روابط با افراد پیرامون یا جذب توجه دیگران باشد (Pinto, 2011)، مثلاً برای خشنودی دیگران، ممکن است افراد حرفی بزنند یا کاری کنند که علی‌رغم خواست و یا استانداردهای شخصی آن‌ها باشد.

روی هم رفته، تعارف می‌تواند دستورالعمل اصلی رفتارهایی باشد که فعل و انفعالات روزانه و روزمرگی مردم در جامعه بر آن سازماندهی شده است (Leech, 2005). با این همه، افراد با زمینه‌های مختلف فرهنگی تعارف را متفاوت ابراز می‌کنند، در گفتار مؤدبانه مانند درخواست، پیشنهاد، تعارف، عذرخواهی، تشکر و پاسخ این موارد ممکن است تفاوت‌هایی باشد (Leech, 2005, p. 1). در آشکارسازی طبیعت متناقض تعارف، آزاد ارمکی و بیکران بهشت (۱۳۸۹)، ص. ۲۰۱) استدلال می‌کنند که گرچه تعارف نشان‌دهنده احترام به دیگران است، اما می‌تواند روابط بین‌افردی را استحکام بخشد، نیز عواقبی منفی داشته باشد، مثلاً در یک شام معمولی، میزبان موظف است به میهمانان پافشاری کند تا غذای بیشتری بخورند. پافشاری می‌تواند نشانگر مهمان‌نوازی او و پافشاری نکردن می‌تواند دلیل بی‌علاقگی وی باشد. اگر میهمان غذای بیشتری میل کند، نشان‌دهنده سپاس از میزبان است. اگر میهمان بتواند غذای زیادی بخورد، میهمان و میزبان احساس قدردانی می‌کنند. اگر میهمان نتواند غذای زیادی بخورد و قدری بخورد که میزبان را خشنود سازد، شاید خودش را در یک وضعیت معذب تحمیل شده قرار دهد. نیز از آن‌جا که رد پیشنهاد میزبان ممکن است نشان‌دهنده ناسپاسی باشد، برای اجتناب از احساس گناه (برای شکستن قوانین مهمان‌نوازی)، مهمان احساس می‌کند به قیمت کنترل خودش، تسلیم خواسته میزبان شده است.

تعارف، علی‌رغم درهم‌تنیدگی با زبان و فرهنگ ایرانی، در پژوهش‌های زبان و فرهنگ ایرانی به‌عنوان زبان دوم چندان مورد توجه نیست. در بیشتر پژوهش‌ها، تعارف به‌عنوان یکی از رفتارهای اجتماعی ایرانیان تعریف شده است. دانشگر (۱۳۸۱) به معنی لغوی تعارف پرداخته و دیدگاه مسافران به ایران را درباره تعارف ایرانی بیان کرده است. عشقوی (۱۳۸۷) در پژوهشی میدانی و توصیفی از دیدگاه کسپر^۱ به آموزش تعارف پرداخته و اشاره کرده که معلمان باید به

1. Kasper

انتقال کاربردشناسی توجه کنند. علیرضایی (۱۳۸۷) می‌گوید تعارف ایرانی جنبه‌های مختلف و متعددی دارد و به نسبت موقعیت، سن، تحصیلات و سطح اجتماعی افراد متغیر است. از نظر وی تعارف جنبه‌های مثبت و منفی دارد. جنبه منفی، غیرحقیقی و دروغین بودن آن است و جنبه مثبت محبت و علاقه‌ای که در باطن تعارف نهفته است. عسجدی (۱۳۷۹) به تعریف نظریه‌های ادب از دیدگاه براون^۱ و لوینسون^۲ می‌پردازد و بیان می‌کند که تعارف ایرانی دروغ و زرنگی نیست، بلکه این موضوع فرهنگی ایرانی نوعی محبت و صداقت و دوستی است. فایکا^۳ (۱۳۹۵) نیز دو موضوع ادب و تعارف را در ایران با هم مقایسه می‌کند و بیان می‌کند که ادب و تعارف در ایران دو موضوع جدا هستند و هر یک ویژگی‌های خود را دارند. ایرانی‌ها برحسب موقعیت و شرایطی که در آن قرار می‌گیرند، برحسب نیاز و ویژگی‌های فردی خود از هر یک از آن‌ها در جای خود استفاده می‌کنند. او ضمن اشاره به ترجمه تعارف در پژوهش‌های بین‌المللی که به صورت politeness است، به مسأله ادب از دیدگاه واتس^۴ هم پرداخته و بین رفتار مؤدبانه و تعارف تمایز قایل می‌شود و آن‌ها در جای خود استفاده می‌کنند. به نظر فایکا politeness مفهوم کامل را نمی‌رساند و بهتر است از politeness Iranian استفاده شود.

در کیچ (۱۳۸۶) نظریه «ادب» را بر اساس دیدگاه براون و لوینسون مطرح و ادب عمومی و تعارف را با هم مقایسه می‌کند. آزاد ارمکی و بیکران بهشت (۱۳۸۹) نیز از تعارف به عنوان زیست روزمره ایرانی یاد می‌کنند و با اتکا به اندیشه جرج زیمل و با تأکید بر تعارف، تعارف مرتبط با فاصله اجتماعی نه دور و نه نزدیک را نسبت با غریبه بررسی می‌کنند و اعتقاد دارند رابطه‌ای پارادوکسی بین این دو وجود دارد.

طبق گزارش وولفسن (Wolfson, 1989: 17)، زمانی که آمریکایی‌ها از دانش‌آموزان یا مهاجران ژاپنی برای حضور در یک جمع دعوت می‌کنند، یادآوری زمان و مکان و گفتن اینکه اگر مایل بودی بیا از نظر ژاپنی‌ها عجیب و تا حدودی توهین‌آمیز است؛ زیرا در فرهنگ ژاپنی دعوت باید با اصرار تکرار شود. به همین ترتیب، در آمریکا عرب‌زبانان عموماً در مهمانی‌ها گرسنه و تشنه می‌مانند؛ زیرا طبق قوانین فرهنگ بومی‌شان، دست کم تعارف میزبان را دو بار رد

-
1. Brown
 2. Levinson
 3. Faika. Soren
 4. Watts. Richard

می‌کنند و منتظر تکرار تعارف می‌مانند. از طرف دیگر، میزبان‌های آمریکایی نیز با این برداشت که مهمان آن‌ها گرسنه و تشنه نیست، تعارف خود را تکرار نمی‌کنند و حتی ممکن است از اینکه از تلاش‌های آن‌ها قدردانی نمی‌شود برنجند (Rubin, 1983: 14; Wolfson, 1989: 18).

این‌که درباره چه موضوع‌هایی نباید صحبت کرد، در انگلیسی چه خواست‌هایی را می‌شود مطرح کرد، تا چه حد و اندازه می‌توان با کسی مخالفت کرد و درباره چه موضوعاتی می‌توان با فردی تازه آشنا صحبت کرد، از دیگر منابع احتمالی ایجاد سوء تعبیرهای بین فرهنگی است. مثلاً سؤالاتی از قبیل اینکه در آمد شما چقدر است؟ یا اینکه فلان چیز را چند خریده‌اید؟ ممکن است در جوامع ایرانی، عربی یا آسیایی کاملاً پذیرفتنی باشند، اما معمولاً از نظر انگلیسی‌ها تابو تلقی می‌شود (Richards, 1980: 424; Wolfson, 1989: 19).

تامس در ادامه می‌افزاید: «ریشه این قبیل بدفهمی‌ها، تقریباً ناشی از کلیشه‌سازی‌های توهین‌آمیز و زیان‌بار ملی است. آلمانی/ روسی خشن؛ ژاپنی/ هندی متملق؛ آمریکایی ریاکار و بریتانیایی سرد» (Thomas, 1983: 97).

کلیشه‌سازی منفی و پیش‌داوری بسیار متداول‌تر از آن است که عموماً تصور می‌شود. گوناگونی در عمل اجتماعی بسیار زیاد است. اگر قاعده‌ای کلی در قوانین گفتار وجود داشته باشد، این قاعده این است که اعضای یک جامعه گفتاری تمایل دارند با معیارهای خود درباره رفتار گفتاری دیگران قضاوت کنند (Wolfson, 1989: 15). معمولاً نقض هنجارهای زبان‌شناسی اجتماعی تحمل نمی‌شود، زیرا قوانین زبان‌شناسی اجتماعی در لایه‌هایی عمیق‌تر از سطح هوشیاری آگاهانه قرار دارند؛ گویشوران بومی عموماً تا زمانی که توسط گویشوران غیر-بومی نقض نشوند از این قوانین آگاهی ندارند (Ibid., 25).

پژوهشگران به‌طور روزافزون ثابت می‌کنند که چگونه اصول و الگوهای مختلف تعامل در فرهنگ‌های مختلف دخیل اند. یکی از اهداف چنین بررسی‌هایی، حذف کلیشه‌های منفی و افزایش درک بین فرهنگی است. و این دو مورد از دغدغه‌های اصلی در آموزش زبان خارجی به‌شمار می‌آیند. بنابراین، انجام تحقیقات بیشتری با هدف تجهیز فراگیران زبان به دانش زبان-شناسی اجتماعی مورد نیاز برای عملکرد درست در فرهنگ مقصد بسیار حایز اهمیت است (Wolfson, 1983: 61; Wolfson, D'Amico-Reisner & Huber, 1983: 116).

نمونه‌ای از یک روش گفتگو که می‌تواند به بدفهمی بین فرهنگی منجر شود این است که در زبان فارسی افرادی که تازه با هم آشنا می‌شوند معمولاً درباره مسائل شخصی یکدیگر پرس‌وجو می‌کنند تا از این طریق تمایل خود را به آشنایی بیشتر با یکدیگر نشان دهند. در حالی که، در انگلیس، گستره سؤالاتی که افراد می‌توانند با اطمینان از یک آشنای جدید (یا قدیمی) بپرسند بسیار محدودتر است. رفیعی به توصیف مفهوم «شخصی بودن» و اینکه چه اطلاعاتی در فرهنگ فارسی و انگلیسی شخصی تلقی می‌شوند پرداخته است.

رفیعی در ادامه می‌افزاید، در شرایط مشابه، در انگلستان بدون دردرس و ایجاد ذهنیت منفی می‌توان در مورد شغل و وضعیت تاهل پیش رفت، در حالی که در ایران حد سؤال‌ها و درخواست «چیزهای مجانی» در حوزه درآمد هم می‌رسد (Rafiee, 1992: 137-138). چیزهای مجانی به مواردی گفته می‌شود که در هر فرهنگی می‌شود مجانی آن‌ها را از یکدیگر طلب کرد از قبیل کبریت، سیگار، اطلاعات با رساندن افراد به مقصد (Lakoff, 1974: 27).

از آنجا که کیفیت و میزان اطلاعات آزاد در دو جامعه متفاوت است، می‌توان درباره نتیجه تعامل یک انگلیسی‌زبان و یک ایرانی، که هر دو با قراردادهای ادب همدیگر بیگانه‌اند، فرضیه‌ای ارائه کرد: گویشور انگلیسی ممکن است ایرانی‌ها را گستاخ، مداخله‌گر و فضول و بدون درک درستی از حریم شخصی تصور کند، در حالی که فرد ایرانی نیز طرف گفتگوی خود را سرد و فاقد حس دوستی و حسن نیت توصیف می‌کند. این در حالی است که هر دوی آن‌ها با بهترین هدف و نیت مثبت و طبق قواعد ادب در فرهنگ خود در این تعامل شرکت می‌کنند؛ طرف ایرانی مشارکت در گفتگو و حسن رابطه را در پیش می‌گیرد و طرف انگلیسی به استقلال طرف مقابل توجه می‌کند و از او نیز همین انتظار را دارد.

همان‌طور که پیش از این ذکر شد، در آموزش زبان به این قبیل مسائل از لحاظ نظری پرداخته می‌شود. تامس معتقد است مدرس زبان باید قواعد کاربردشناسی را به همان دقت قوانین دستوری توضیح دهد:

«این معلم است که زبان آموز را برای بیان منظور خود به شیوه‌ای گستاخانه و صریح یا مؤدبانه آماده می‌سازد. آنچه ما می‌خواهیم از آن جلوگیری کنیم بی‌ادبی یا چاپلوسی ناآگاهانه اوست. مدرس باید پیامدهای احتمالی انواع رفتارهای زبانی را نشان دهد» (Thomas, 1983: 96).

با وجود این، یکی از مشکلاتی که در عمل پیش می‌آید و مسائل مدرسان را تشدید می‌کند این است که قواعد کاربردشناختی زبان‌های مختلف به اندازه قواعد دستوری توصیف نشده‌اند و بنابراین مدرس موظف است از تجربیات شخصی خود از زبان‌های مبدأ و مقصد برای ارایه پیشنهادی مناسب به زبان‌آموزان استفاده کند (Thomas, 1983: 97).

نبود توصیف نظام‌مند قوانین زبان‌شناسی اجتماعی تنها مانع بر سر راه ارتباطات موفق بین فرهنگی نیست. همان‌طور که تامس می‌گوید، در برخی موارد با اینکه فراگیران احتمالاً نسبت به قوانین مختلف فرهنگ مقصد آگاهی دارند، تمایلی به تطبیق خود با آن‌ها یا در نظر گرفتن آن‌ها ندارند. احتمالاً دلیل این امر بی‌میلی به انحراف از هنجارهای درونی شده فرهنگشان است که رفتار مؤدبانه و بیان صادقانه احساسات و مقاصدشان را شکل می‌دهد. همان‌طور که ویرزیکا به درستی عنوان می‌کند، مسأله فقط شیوه‌های مختلف رمزگذاری ادب نیست، بلکه ارزش‌های فرهنگی مختلفی است که در دو فرهنگ حاکم است (Wierzbicka, 1991:61).

مفهوم ناکامی کاربردشناختی اجتماعی به پیوند ارزش‌های فرهنگی مختلف بین گویشوران زبان‌های مختلف مربوط می‌شود (Thomas, 1983:10-11) و مراد نویسنده از ناکامی کاربردشناختی اجتماعی ناتوانی در شناخت شرایط اجتماعی حاکم بر زبان مورد استفاده است. او این‌گونه استدلال می‌کند:

«برای مدرس زبان برآورد غلط از کاربردشناسی اجتماعی در مقایسه با تصحیح اشتباهات زبان‌شناسی کاربردی موضوع حساس‌تری است. احکام کاربردشناسی اجتماعی پیش از اینکه زبان‌شناختی باشند، اجتماعی‌اند و فراگیران زبان‌های خارجی اگرچه تصمیمات را که از نظر آن‌ها زبانی است کاملاً می‌پذیرند، اما به حق به اینکه نگاه اجتماعی (یا حتی سیاسی، مذهبی و اخلاقی) شان مورد تردید واقع شود، حساس خواهند بود» (Thomas, 1983: 104).

انواع مختلف ناکامی‌های کاربردشناختی اجتماعی که تامس فهرست‌بندی کرده است عبارت‌اند از تحمیل، تابو، ارزیابی‌های مختلف بین فرهنگی از قدرت نسبی و شکاف اجتماعی، قضاوت‌های ارزشی و قواعد اصلی کاربردشناختی مختلف بین فرهنگی از قبیل ضوابط شوخی و قواعد مربوط به دروغ‌های مصلحت‌آمیز.

۴. نمودهای تعارف در روابط ایرانیان

ایرانیان از کودکی شاهد تعارف هستند و طبق عادت خانوادگی و اجتماعی می‌آموزند به بعضی از تعارف‌های کلامی پاسخ دهند، خوراکی را ابتدا به سایرین تعارف می‌کنند، ابتدا چای یا میوه را به بزرگ‌ترها و غریبه‌ترها تعارف می‌کنند. این موضوع به مرور زمان با گسترده شدن روابط کودکان دامنه وسیع‌تری پیدا می‌کند و می‌آموزند که در هر شرایطی از نوعی تعارف استفاده کنند و شناسایی شرایط تعارف بخشی از مهارت‌های ارتباطی اجتماعی می‌شود. آن‌ها به مرور آشنا می‌شوند که تعارف می‌تواند ابزاری برای پیشبرد اهدافی در روابط باشد. به تعبیر فایکا (۱۳۹۵، ص. ۱۱۱) با تعارف می‌توان کارهای گوناگونی انجام داد، مانند برقرار کردن رابطه، میزان کردن و حفظ فاصله در رابطه یا تنظیم آن.

تعارف دو نوع است: زبانی؛ یعنی نوشتاری و گفتاری که در آن لحن یا سبک نوشتن به نوشته یا گفته هویت می‌دهد؛ و غیرزبانی یعنی زبان بدن و حالت چهره (فایکا، ۱۳۹۵، ص. ۱۱۱).
علیرضایی (۱۳۸۷: ۱۰۸) با نگاهی دیگر، تعارف را در دو گروه تعارف کلامی یا زبانی یا بیانی و تعارف عملی تعریف می‌نماید. از نظر وی تعارفات عملی با انجام فعلی مانند پختن غذا، بردن شیرینی و گل انجام می‌شود. وی اعتقاد دارد تعارف فراکلامی و تعارف کتبی نیز در زمره انواع تعارف است. تعارف فراکلامی در فرهنگ ایرانی بسیار زیاد است. انواع حرکات بدنی، زبان بدن، ژست‌ها و حالت‌های چهره و اعضای بدن همگی می‌توانند گویای نوعی از تعارف در موقعیتی خاص شوند؛ در فرهنگ ایرانی برخاستن به احترام بزرگ‌تر و یا مهمان از عادات شناخته شده است، نیز گذاشتن دست بر روی سینه هنگام احوالپرسی.

تعارف کلامی در اشکال گفتاری و نوشتاری به چشم می‌خورد. اصطلاحات، کلمات، جملات، افعال و حتی ضرب‌المثل‌هایی که در حین گفت‌وگوها رد و بدل می‌شود. تعارف نوشتاری بیشتر در نامه‌ها، درخواست‌ها، متون مطبوعاتی، نامه‌های شخصی، تقدیرها و تشکرها و... به چشم می‌خورد. زبان فارسی غنای کلامی و ادبی دارد و می‌توان در بازی با کلمات، استفاده از اشعار، ضرب‌المثل‌ها، حکایات و فرهنگ و ادبیات عامه تعارف کرد.

در پژوهش حاضر، پس از بحث و بررسی در مورد مفهوم تعارف و تأثیر آن بر روی فارسی آموزان خارجی به مطالعه موردی در مرکز آموزش زبان فارسی به غیرفارسی زبانان دانشگاه‌های علامه طباطبایی تهران و فردوسی مشهد خواهیم پرداخت.

۵. روش پژوهش

این پژوهش به دنبال تجربه زبان‌آموزان فارسی (دانشجویان خارجی) در مواجهه با تعارف در موقعیت و شرایط مختلف است. برای گردآوری داده‌ها با زبان‌آموزان غیرفارسی‌زبان مصاحبه به عمل آمد و با روش تحلیل محتوا مقوله‌ها طبقه‌بندی شده است.

جامعه پژوهش، فارسی‌آموزان خارجی دوره‌های پیشرفته و تکمیلی دانشگاه علامه طباطبایی تهران و دانشگاه فردوسی مشهد بودند. از میان این‌ها ۹ نفر، ۲۱ تا ۳۹ ساله به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند.

جدول ۱. جامعه فارسی‌آموزان خارجی دوره‌های پیشرفته و تکمیلی دانشگاه‌های علامه طباطبایی تهران و فردوسی مشهد

ردیف	رشته تحصیلی	ملیت	تعداد (نفر)
۱	زبان و ادبیات فارسی	ژاپن	۲
۲	زبان و ادبیات فارسی	ترکیه	۱
۳	مهندسی هوا و فضا	اسکاتلند	۱
۴	مدیریت بازرگانی	هند	۱
۵	زبان و ادبیات کردی	ترکیه	۱
۶	زبان و ادبیات انگلیسی	عراق	۱
۷	مهندسی برق	سالوادور (امریکای مرکزی)	۱
۸	ایران‌شناسی	روسیه	۱
مجموع			۹

در این پژوهش مصاحبه‌ها به صورت غیرحضوری (مجازی) از طریق پرسشنامه با هماهنگی و رضایت پاسخگویان انجام گرفته است. نگارنده با الهام از ادبیات و مبانی پژوهش، مصاحبه را در قالب دو سؤال به شرح ذیل آماده کرده است و با مصاحبه‌شوندگان در میان گذاشت: «تا چه اندازه با تعارفات ایرانی در موقعیت‌های مختلف آشنا هستید؟ آیا برای بعضی از نمونه‌های تعارفات ایرانی هم معادلی برای آن‌ها در زبان خود دارید؟» در ادامه، چند سؤال در دو دسته مطرح شد: شناسایی مشخصات کلی افراد؛ و سؤال اصلی و سؤالاتی مرتبط با موضوع، نظیر بیشتر توضیح دهید، اگر می‌توانید مثال بیاورید و... مدت مصاحبه ۳۰ دقیقه بود.

با مصاحبه می‌توان پی برد که در ذهن افراد چه می‌گذرد و درباره سؤالات چه احساس و

رفتاری دارند. بر این اساس، برای تحلیل داده‌های متنی از روش تحلیل محتوا^۱ استفاده شد؛ ابتدا نظرها و پیشنهادهای فارسی‌آموزان مطالعه، داده‌هایی که ارتباطی با موضوع نداشتند حذف، و داده‌های باقی‌مانده با کدگذاری به بخش‌های مختلف و عبارات معنی‌دار تقسیم شد. سپس با طبقه‌بندی عبارات، طبقات مفهومی شامل مفهوم تعارف، تفاوت‌های فرهنگی، ضرورت تعارف و... شناسایی گردید.

در پژوهش حاضر، به دلیل شرایط کرونایی جامعه آماری ۷ نفر انتخاب شده است و بسیاری از فارسی‌آموزان خارجی به کشورهای خود رفتند و با تعداد محدودی از آن‌ها مصاحبه شد و به همین دلیل نتوانستیم با جامعه آماری بسیاری ارتباط برقرار کنیم.

۶. یافته‌های پژوهش

۶-۱. صورت و محتوای «تعارف» از منظر غیرفارسی‌زبانان

«تعارف» ژست پیشنهادی است که قرار است رد شود. پارادوکس موجود در این تعریف برای تحلیل روابط روزمره با محوریت تعارف اهمیت زیادی دارد (خورشیدنام، ۱۳۸۹: ۱۸۸). «تعارف» به دلیل نوع ساختاری که دارد از دید جامعه‌شناسی، نوعی رفتار دوطرفه است که هر دو طرف قاعده بازی را می‌شناسند. یک طرف مطلبی را بیان می‌کند و دیگری با انکار و یا قبول آن در کنار الفاظ و عبارات تعارف‌آمیز که اغلب نوعی غلو محسوب می‌شود، گفت‌وگو را ادامه می‌دهد.

چنانچه یکی از طرفین در روند تعارف به لفاظی و یا ادامه کلام به‌طور ناگهانی و به هر دلیلی مانند آشنا نبودن با قاعده بازی آن را خاتمه دهد، تعارف اتفاق نمی‌افتد. این موضوع به تعارف کتبی نیز قابل تعمیم است. بنابراین، برای تعارف هر دو طرف باید قاعده بازی و تمام مهارت‌های آن را یاد داشته باشند. نیز برای شکل‌گیری تعارف، شناخت موقعیت و گفت‌مان لازم است. این موضوع ضرورتاً مستلزم این است که طرفین علاوه بر شناخت دو موضوع حیاتی موقعیت و گفت‌مان به ریز مؤلفه حیاتی «کدهای بومی و اجتماعی» یعنی عبارات، کلمات و تمامی جزئیاتی که در تعارف اتفاق می‌افتد اشراف داشته باشند. اهمیت این موضوع، در کلان‌شهرها، شهرهای کوچک، فضای مدرنیته، فرهنگ‌های بومی و خرده فرهنگ‌ها بیشتر محسوس است. به‌عنوان مثال، در کلان‌شهر تهران تعارفات در فضایی حساب‌شده و بر اساس فاصله‌ای که افراد برای روابط و افراد قایل هستند، متفاوت است. فایکا (۱۳۹۵: ۱۱۶) می‌گوید دلایلی مانند روند شتابنده

جهانی‌سازی، تجدد یا مدرنیته و شهرنشینی از دلایل عمده تغییرات هنجارهای اجتماعی تعارف بین جوانان امروزی است. در این فضاها شاید بسیاری از تعارفات کم‌رنگ‌تر شده‌اند و چه بسا از بین رفته باشند. به‌عنوان مثال، ایرانیان معمولاً عادت دارند در ابتدای ورود مهمان به منزل، با نوشیدنی از او پذیرایی کنند. این نوشیدنی در تابستان‌ها عموماً شربت و در دیگر فصول سال چای یا هر نوشیدنی گرم دیگری است. به‌طور معمول، ایرانیان از مهمان خود نمی‌پرسند که باید پذیرایی شوند یا نه؟ و حتی پرسش درباره آن را بی‌ادبی می‌دانند. برحسب ادب و عادت، حتماً نوشیدنی می‌آورند و علاقه‌مندند مهمان آن را میل کند. اما امروزه این عادت در کلان‌شهرها تغییر کرده و گاه میزبان از مهمان می‌پرسد که نوشیدنی میل دارد و اگر پاسخ مثبت باشد، چه نوشیدنی.

نقطه‌مقابل این نوع، تعارفی است که در بعضی خرده‌فرهنگ‌ها و مناطق سنتی و بومی ایران دیده می‌شود. در بعضی مناطق غربی و شمال غربی ایران میزبان نه‌تنها با نوشیدنی پذیرایی می‌کند، بلکه توجهی به گفته‌های مهمان نمی‌کند و با اصرار علاقه دارد مهمان بنوشد. در نمونه‌ای که یکی از نگارندگان شاهد بود، مهمان اصرار می‌کرد که دیگر تمایلی به نوشیدن چای ندارد اما میزبان باز چای می‌آورد تا این که کسی گفت در این جا اگر مهمان علاقه‌ای به نوشیدن مجدد چای ندارد، باید استکان یا فنجان را افقی قرار دهد. بنابراین، پذیرایی از مهمان و تعارف نوشیدنی در فرهنگ ایرانی، علی‌رغم داشتن ساختاری مشترک، نمود فرهنگی متفاوت دارد.

با این اوصاف، فارسی‌آموزان خارجی با مجموعه پیچیده‌ای از صورت‌ها و درون‌مایه‌های متفاوت تعارف ایرانی مواجه می‌شوند. این پیچیدگی‌های فرهنگی بین فارسی‌آموزان خارجی تأثیرات گوناگونی دارد. ویژگی‌های فردی، نگرش‌ها و قضاوت‌های فردی افراد بر تمامی برداشت‌ها از تعارف تأثیر مستقیم دارد. گاه تعارف می‌تواند رسالت انتقال فرهنگ را بر عهده بگیرد و ارزش تلقی شود و گاه نقشی ضد ارزشی داشته باشد و اثرات مخربی بر جای بگذارد. به نمونه‌هایی از نظرات فارسی‌آموزان خارجی در مورد تعارف بر اساس مصاحبه‌ها اشاره می‌کنیم:

فارسی‌آموزی از هند می‌گفت: «نمونه تعارفات ایرانی که یاد گرفته‌ام مانند: بفرمایین، قابلی نداره مهمون من باشین، اینجا خونه خودتونه، که از میان نمونه تعارفات ایرانی، اینجا خونه خودتونه هم معادل آن را در هند به کار می‌بریم. ما در فرهنگ هند قاعده ثابتی برای تعارفات

نداریم و به شدت فرهنگ ایرانیان که دو تا سه مرتبه تعارف می‌کنند این گونه نیستیم. در واقع، در هند نسل‌های جوان از تعارفات استفاده نمی‌کنند. نکته جالبی که در ایران برایم جالب بود به عنوان مثال در رستوران هنگام پرداخت پول در بخش صندوق یک‌بار گفته شد «قابلی ندارد» و این مورد من را متعجب کرد و من مجدداً برای پرداخت پول اصرار کردم و مجدداً گفته شد «قابلی ندارد» و من هم برای بار سوم برای پرداخت پول اصرار نکردم و در نهایت متوجه شدم در فرهنگ ایرانیان سه مرتبه تعارف می‌کنند اما در هند این گونه نیست اگر بیش از یک مرتبه تعارف شود، در پاسخ می‌گوییم: «باشه... ممنونم از شما خدا نگهدار». به عقیده این زبان‌آموز غیرفارسی‌زبان، آموزش تعارفات ایرانی برای یادگیری هرچه بیشتر زبان فارسی الزامی است.

فارسی‌آموز دیگری از ترکیه چنین می‌گفت: «نمونه تعارفاتی که تا به حال در ایران یاد گرفته‌ام مانند: اختیار دارین، التماس دعا، انشالله ۱۲۰ ساله بشین، اگر خدا قسمت کنه، این حرف‌ها چیه اختیار دارین، با اجازه، به پای هم پیر بشین، تشریف بیارین، جای شما خالی، چرخاش برات بچرخه، چشمات قشنگ می‌بینه، خواهش می‌کنم، خدا حفظش کنه، قدمت روی چشم، قابل نداره، قربونت برم، روحش شاد، دستت درد نکنه، شرمنده، خدا بد نده، خوش بگذره، چه عجب، لطف کردی. و همچنین ما نیز در ترکیه تعارفاتی داریم که تقریباً معادل با نمونه تعارفات ایرانیان است، مانند: این چه حرفیه، اگر خدا قسمت کنه، با اجازه، تشریف بیارین، چشمات قشنگ می‌بینه، چه عجب، خواهش می‌کنم، خدا حفظش کنه، دستت درد نکنه، خدا بد نده، روحش شاد، ببخشید، لطف کردی، قربونت برم. در تعارفات ایرانی می‌گویند: «به پای هم پیر بشین» ما در ترکیه به جای آن می‌گوییم «روی یه بالشت پیر بشین». به نظر وی، آموزش تعارفات ایرانی مفید و ارزشمند است و در یادگیری زبان فارسی بسیار مؤثر است.

فارسی‌آموز دیگری از ژاپن می‌گفت: «نمونه تعارفات ایرانی که یاد گرفته‌ام مانند: بهر مایین، قابل نداره، جات خالی، جات سبز، دوستان به جای ما، چشمات قشنگ می‌بینه که از میان نمونه تعارفات ایرانی تنها دو معادل: بهر مایین و جات خالی را در زبان ژاپنی داریم». به نظر او، آموزش تعارفات ایرانی بسیار مفید و ضروری است.

فارسی‌آموز دیگری از ژاپن می‌گفت: «به دلیل این که تعارف در فرهنگ کشور ژاپن تا حدی وجود دارد بر همین اساس با تعارفات آشنا هستم. نمونه تعارفات ایرانی که تا کنون یاد گرفته‌ام مانند: خودتون گل هستین، چشمات قشنگ می‌بینه، بهر مایین اول شما میل کنین. در ژاپن معمولاً

در وهله اول با کسانی که آشنا نیستند، بیشتر از معادل بفرمایین استفاده می‌کنند ولی در حالت کلی ژاپنی‌ها به جز اهل کیوتو به شدت ایرانی‌ها خیلی اهل تعارف نیستند». به نظر وی، آموزش تعارفات ایرانی باعث یادگیری بهتر زبان فارسی می‌شود.

فارسی‌آموز دیگری از ترکیه می‌گفت: «نمونه تعارفات ایرانی که تا اکنون یاد گرفته‌ام مانند: چشم‌مون به جمالت روشن شد، قدمت روی چشم، فدای سرت، از دیدنت خوشحال شدم که تمام تعارفات ذکرشده را در تعارفات ترکیه هم داریم». به باور وی، آموزش تعارفات ایرانی بسیار سودمند و ضروری هستند.

فارسی‌آموز دیگری از اسکاتلند می‌گفت: «درحقیقت من با تعارفات ایرانی خیلی آشنا نیستم و نمی‌دانم معادلی برای آن‌ها به زبان انگلیسی وجود دارد یا خیر. من به‌شخصه هیچ علاقه‌ای ندارم که از تعارفات زبان‌های دیگر استفاده کنم و حتی به‌نظرم یادگیری تعارفات به زبان‌های دیگر هم اهمیتی ندارد و همچنین علاقه ندارم که اصطلاحات و عبارات زبان‌های دیگر را تکرار و حفظ کنم. به‌جای آن ترجیح می‌دهم مهارت‌های خواندن و گفتگو را یاد بگیرم و سعی کنم واژگان و عبارات و جملات را به‌درستی بیان کنم و این که چگونه و چه زمانی به‌صورت رسمی و غیررسمی از آن‌ها استفاده کنم. به‌عقیده من، فکر نمی‌کنم آموزش تعارفات مؤثر باشد، زیرا آموزش تعارفات نیازمند درک و فهم پیش‌زمینه آن فرهنگ زبانی است. بنابراین، حفظ و تکرار عبارات و اصطلاحات تعارفات فرهنگی بدون درک کامل از معانی ضمنی آن‌ها امکان‌پذیر نیست و ممکن است نشان‌دهنده توهین به افراد هم باشد».

فارسی‌آموز دیگری از عراق می‌گفت: «از نمونه تعارفات ایرانی مانند: آفرین خیلی باهوش هستی، خیلی زیبا و خواستنی هستی را یاد گرفته‌ام و همچنین از نمونه تعارفاتی که در عراق استفاده می‌شود، مانند: حس شوخ طبعی خیلی خوبی داری، خیلی شجاعی و خیلی زرنگی». به نظر وی، آموزش تعارفات ایرانی برای یادگیری بهتر زبان فارسی بسیار مفید است.

فارسی‌آموز دیگری از سالوادور می‌گفت: «من با نمونه تعارفات ایرانی آشنا نیستم، ولی تعارفات ما مشابه تعارفات اسپانیا است. به نظر این زبان‌آموز، یادگیری تعارفات بسیار مفید است، زیرا زبان‌آموزان را درگیر یادگیری زبان می‌کند و به آن‌ها برای یادگیری بیشتر انگیزه می‌دهد». فارسی‌آموز دیگری از روسیه می‌گفت: «نمونه تعارفات ایرانی که تا اکنون یاد گرفته‌ام مانند: تشکر می‌کنم، خواهش می‌کنم، دست شما درد نکنه، خیلی لطف کردین، سلامت باشین و نمونه

تعارفی که در روسیه مانند سایر کشورها کاربرد دارد «خانم‌ها مقدم‌ترند» است. به باور وی، آموزش تعارفات ایرانی برای ایجاد ارتباطات بهتر در زبان فارسی بسیار ضروری و مفید است.

۲-۶. قراردادهای اجتماعی تعارف

در گفتگوی دو نفر عواملی مانند جنسیت و منزلت مخاطب، سن، رابطه اجتماعی طرفین و جایگاه مخاطب، موضوع تعاریف و جنسیت، ظاهر و جنسیت مخاطب، توانایی و عملکرد و جنسیت، شخصیت و ویژگی‌های دوستانه و جنسیت تأثیر مستقیم دارند (هاشمی و دیگران، ۱۳۹۰، صص. ۳۵-۳۰). این عوامل، معمولاً طبق عرف و عادت در جامعه زبانی با کدهای خاصی رمزگشایی می‌شود اما افراد خارج از مجموعه، به راحتی نمی‌توانند آن‌ها را شناسایی کنند. این زمانی اهمیت بیشتری می‌یابد که زبان‌آموزان از تعارف و گفت‌وگو در کلام و گفت‌وگوی خود استفاده کنند. این معمولاً در سطوح میانی و پیشرفته زبان‌آموزی اتفاق می‌افتد. در مرحله استفاده از الگوهای کلامی تعارف، شاید ساده‌ترین حالتی که بیشتر افراد با آن آشنایی دارند، تعریف و تمجید است. طبق مؤلفه‌های یادشده، تمامی موارد ذکرشده در شکل‌گیری یک گفت‌وگو اهمیت دارند. زبان‌آموزان خارجی، معمولاً مؤلفه‌های یادشده را طبق الگوهای فرهنگی خود و پیشینه آن در گفت‌وگو تعارف تعمیم می‌دهند و با مراجعه به آن الگوها در روابط از تعارف استفاده می‌کنند. این موضوع علی‌رغم جنبه مثبت آن که تمایل زبان‌آموزان را نسبت به استفاده از یک الگوی فرهنگی ایرانی در روابط نشان می‌دهد، موارد منفی هم دارد. به‌عنوان مثال تعریف و تمجید با توجه به جنسیت و سن، موضوعی کاملاً فرهنگی است و در جوامع مختلف نموده‌های متفاوتی دارد. در جوامع مسلمان و سنتی تعریف و تمجید از بانوان به دلیل مسائل مذهبی و عرف، معمولاً سازوکار خاصی دارد. در جوامع اروپایی، تعریف از بانوان می‌تواند نشانه ادب باشد، اما در جوامع مذهبی و سنتی می‌تواند پسندیده نباشد و شاید شکستن حریم شخصی بانوان محسوب شود.

۳-۶. تعارف در سطوح پیشرفته زبانی

موضوع مشترک و غالب در مصاحبه با فارسی‌آموزان خارجی، طبقه‌بندی ناخواسته مشکلات در سطح پیشرفته فارسی‌آموزی است. تعارف در سطح پیشرفته دشواری‌هایی داشته است و نگارنده بر اساس تجربه به این نتایج دست یافته است:

سطح پیشرفته: در این سطح فارسی‌آموزان صورت و محتوای تعارف را می‌شناسند، با محتوای

تعارف آشنا هستند و می‌توانند پیچیدگی‌های کلامی را درک کنند اما درک برخی از مفاهیم و جزئیات فرهنگی مربوط به تعارف و همچنین درک قراردادهای اجتماعی و اشراف به جزئیات کدهای بومی و اجتماعی برایشان دشوار است. این دشواری‌ها نیز در حوزه فعالیت‌های شغلی و اجتماعی افراد پیش می‌آید. به‌عنوان مثال، ناآشنا بودن زبان آموز هندی با موقعیت و شرایطی مانند هنگام پرداخت هزینه رستوران که توسط صندوق دار سه مرتبه مورد تعارف قرار گرفت و نیز این سه مرتبه مورد تعارف قرار گرفتن برای وی موقعیت و شرایطی پیچیده و ناآشنایی را ایجاد کرد.

با توجه به آموزش تعارف به‌عنوان بخشی از رفتار فرهنگی ایرانیان، بایستی به تمام نکات برجسته مربوط به سطوح فارسی آموزان توجه شود. به‌دلیل گسترده بودن کاربرد تعارف در زبان فارسی، در دسته‌بندی نکات آموزشی باید نیازهای فارسی آموزان را براساس حوزه‌های آموزشی دسته‌بندی نمود:

۱. حوزه فردی: مربوط به زندگی شخصی فرد است که بیشتر خانه، محل زندگی، خانواده و دوستان مد نظرند؛ مثل مطالعه، نوشتن خاطرات روزانه و...
۲. حوزه اجتماعی: مربوط به اموری است که فرد مثل همه مردم، شهروندان یا اعضای یک سازمان در فعالیت‌هایی با اهداف گوناگون شرکت می‌نماید.
۳. حوزه شغلی: مربوط به اموری است که فرد در شغل خود با آنان سروکار دارد.
۴. حوزه تحصیلی و آموزشی: مربوط به اموری است که فرد وارد یک نظام آموزشی مثل یک مؤسسه آموزشی می‌شود (Council of Europe, 2009).

۷. نتیجه‌گیری و پیشنهادات آموزشی-پژوهشی

در راستای پاسخ به سؤال پژوهش، نتایج کلی پژوهش پیرامون کاوشی در جهت میزان آگاهی فارسی آموزان خارجی از تعارف‌های ایرانی به شرح زیر است:

۱. میزان آگاهی بسیاری از فارسی آموزان خارجی برای یادگیری تعارفات ایرانی زیاد بوده تا حدی که بسیاری از آن‌ها برای یادگیری هرچه بهتر و بیشتر زبان فارسی، آموزش تعارفات ایرانی را الزامی دانستند که بدانند در هر موقعیت و شرایطی از چه اصطلاحات تعارفی مناسبی استفاده کنند تا بتوانند ارتباطات مؤثر و بهتری با افراد جامعه برقرار کنند و نیز نیازها و ارتباطات روزمره خود را از طریق آموزش تعارفات و

یادگیری آن‌ها برطرف نمایند. آموزش تعارفات ایرانی حتی باعث افزایش انگیزه آن‌ها در یادگیری، درگیری و ارتباط بیشتر آن‌ها با زبان می‌شد.

در پی اجرای این پژوهش پیرامون میزان آگاهی فارسی‌آموزان خارجی از تعارفات ایرانیان که می‌تواند در تحقیقات آینده جهت ارتقای سطح کیفیت یادگیری فارسی‌آموزان به کار رود، پیشنهاداتی بدین شرح ارائه می‌گردد:

۱. پژوهش‌هایی در زمینه برگزاری کارگاه‌هایی توسط مدرسان موفق در زمینه آموزش تعارفات ایرانی و انتقال معلومات آن‌ها به مدرسان علاقه‌مند و تازه‌کار پیشنهاد می‌شود.

۲. پژوهش‌هایی درباره برنامه‌ریزی در مورد حضور مدرسان تازه‌کار در کلاس مدرسان باتجربه و موفق در امر تدریس آموزش تعارفات و مشاهده کلاسی، پیشنهاد می‌گردد.

۳. لازم است برنامه‌های آموزشی مؤسسات و منابع آموزشی، با در نظر گرفتن نیازهای زبان‌آموزان در هر یک از حوزه‌های مورد نیاز و بر اساس سطح مورد نظر مدیریت شود. این مستلزم تربیت مدرسان کارآمدی است که با این حوزه‌ها و نیازهای فارسی‌آموزان آشنایی داشته باشند تا بتوانند به‌خوبی آموزش تعارف، دشواری‌ها، ظرافت‌ها و طیف‌های مختلف آن را آموزش دهند و بتوانند خلأ منابع آموزشی و یا دانش عمومی جامعه را در مقابل نوع مواجهه با خارجیان پوشش دهند. استفاده از بازی‌های کلامی، بازی‌های دونفره، ایجاد موقعیت‌های بازی-گونه در کلاس و آموزش تعارف با آن‌ها کمک بسیاری به زبان‌آموزان غیرفارسی‌زبان برای آشنایی با این پدیده فرهنگی ایرانی می‌نماید. منابع آموزشی نیز از عناصر قوی هستند که می‌توانند در قالب آموزش نکات فرهنگی، به‌طور غیرمستقیم از طریق عکس، زبان بدن، ژست و حالت‌های چهره افراد در عکس‌ها و از طریق مستقیم در داستان‌های کوتاه، مکالمه‌ها و شخصیت‌های کتاب‌ها تعارف را آموزش دهند.

در پایان، نیز توجه به دو بُعد ساختارهای جامعه‌شناسی تعارف و توجه به پیچیدگی‌های کلامی آن می‌تواند باعث آشنایی و آگاهی فارسی‌آموزان نسبت به این رفتار فرهنگی ایرانیان شود. این موضوع می‌تواند به آن‌ها در مدیریت این پدیده زبانی و شناخت و کاربرد الگوهای مناسبی که برقراری ارتباط را تسهیل می‌کند، کمک نماید. آن‌ها از این طریق می‌توانند بپذیرند که این رفتار فرهنگی متفاوت ایرانیان بخش جدایی‌ناپذیر زبان و فرهنگ ایرانی است و به‌عنوان کاتالیزوری برای کم‌رنگ کردن موانع فرهنگی و یادگیری دشواری‌های آن احساس امنیت و

اعتماد بیشتری ایجاد می‌نماید.

منابع فارسی

- آزاد ارمکی، تقی و محمد بیکران بهشت (۱۳۸۹). «تعارف در زیست روزمره ایرانی». برگ فرهنگ، ۲۲: ۲۰۹-۱۹۶.
- خورشیدنام، عباس (۱۳۸۹). «درباره تعارف». برگ فرهنگ، ۲۲: ۱۹۵-۱۸۲.
- دانشگر، محمد (۱۳۸۱). تعارف و فرهنگ آن نزد ایرانیان. نامه پارسی، ۷(۲): ۷۲-۵۷.
- در کیچ، منیر (۱۳۸۶). «چرا خارجی‌ها تعارف فارسی را نمی‌فهمند؟». نامه پارسی، ۱۲(۲): ۴۲-۱۷.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۵). فرهنگ لغت دهخدا، زیر نظر جعفر شهیدی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- ساجدی، ابوالفضل (۱۳۸۱). «نظریه کنش گفتاری آستین و فهم زبان قرآن». قیاسات، شماره ۲۵، ۱۳۰-۱۲۲.
- سرنا، کارلا (۱۳۶۲). آدم‌ها و آیین‌ها در ایران: سفرنامه مادام کارلا سرنا، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران: انتشارات زوار.
- شاردن، ژان (۱۳۵۰). سیاحت‌نامه شاردن. ترجمه محمد عباسی، تهران: انتشارات امیرکبیر
- شاملو، احمد (۱۳۷۹). کتاب کوچ. تهران، انتشارات مازیار
- صدری افشار، غلامحسین، حکمی، نسترن (.). ۱۳۷۵، فرهنگ فارسی امروز، تهران، انتشارات کلمه
- عسجدی، مینو (۱۳۷۹). ۱۳۷۹، مقایسه بین تعارف فارسی و لیما در چینی، مجموعه مقالات چهارمین کنفرانس زبان‌شناسی نظری و کاربردی، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی
- عشقوی، ملیحه (۱۳۸۷). «ضرورت آموزش‌های تعارف ایرانی به فارسی‌آموزان خارجی»، مجموعه مقالات سمینار آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان، دانشگاه علامه طباطبائی، ۲۶۹-۲۸۱
- علیرضایی، شایلی (۱۳۸۷). تعارف در فرهنگ مردم ایران، نجوای فرهنگ، شماره ۹، ۱۰۱-۱۱۴
- فایکا، زورن (۱۳۹۵). «ادب و تعارف در ایران، پژوهش‌های ایران‌شناسی». ۶(۱): ۱۲۳-۱۰۵.
- معین، محمد، ۱۳۸۲، فرهنگ فارسی. تهران: انتشارات راه رشد

نوردن، هرمان (۱۳۵۶). زیر آسمان ایران، ترجمه ح. سمیعی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران
 هاشمی، محمدرضا، آذر حسینی فاطمی و صبا دوائی (۱۳۹۰). «مقایسهٔ مرزبندی‌های فرهنگی-
 اجتماعی» تعریف و تمجید» در زبان انگلیسی و فارسی». مطالعات زبان و ترجمه، ۴۴(۱): ۲۵-

۳۸

References

- Ambady, N., Koo, J., Lee, F., & Rosenthal, R. (1996). More than words: Linguistic and nonlinguistic politeness in two cultures. *Journal of Personality and Social Psychology*, (70): 996-1011.
- Austin, J. (1962). How to do things with words (The William James Lectures delivered in Harvard University in 1955) edited by J. O. Urmson. Un vol. 19 x 12,5 de IX- 167 pp. Oxford, Clarendon Press. (distributor: Harvard University Press).
- Council of Europe. (2009). *The Common European Framework in its political and educational context*. Strasbourg: Language Policy Division of Council of Europe.
- D'Amico-Reisner, L., & Huber, L. (1983), 'How to arrange for social commitments in American English: the invitation ', in Wolfson and Judd (1983), 116-28.
- Goffman, E. (1959). *The Presentation of Self in Everyday Life*. New York: Doubleday: Garden City.
- Kerbrat-Orecchioni, C. (2012). Politeness variations and constants in France, from the classic age to today. In M. Bax & D. Z. Kádár (Eds.), *Understanding Historical (Im) Politeness: Relational linguistic practice over time and across cultures* (pp. 131-153). Amsterdam: John Benjamin Publishing.
- Leech, G. (1983). *Principles of pragmatics*. London: Longman.
- Leech, G. (2005). Politeness: Is there an East-West Divide? *Journal of Foreign Languages*, 6(1): 1-30.
- Lakoff, R. (1974). What you can do with words: politeness, pragmatics and performatives, *Berkeley Studies in Syntax and Semantics* 1 (16), 1-55.
- Pan, Y., & Kádár, D. Z. (2011). *Politeness in Historical and Contemporary Chinese*. London: Bloomsbury Academic.
- Pinto, D. (2011). Are Americans insincere? Interactional style and politeness in everyday America. *Journal of Politeness Research, Language, Behaviour, Culture*, (7): 215-238.
- Rafiee, A. (1992). *Variables of Communicative Incompetence in the Performance of Iranian Learners of English and English Learners of Persian*. Unpublished PhD thesis, University of London.

- Richard, J., (1980). Conversation. TESOL Quarterly 14, 413–432.
- Rubin, J. (1983). “The Use of ‘Thank You’.” Paper presented at the Sociolinguistics Colloquium, TESOL Convention, Toronto: Canada.
- Simmel, Georg. (1971). “*The problem of sociology*”, in *Georg Simmel on individuality and social forms*. Edited by Donald N. Levine. Chicago: Chicago Press. 23-35.
- Spencer-Oatey, H. (2005). “(Im) Politeness, Face and Perceptions of Rapport: Unpack Aging Their Bases and Interrelationships”. *Journal of Politeness Research Language, Behavior, Culture*, 1(1): 95-119.
- Thomas, J. (1983). “*Cross-Cultural Pragmatic Failure*”. *Applied Linguistics*, 4: 91-112.
- Taussig, G. (2002). *Coleridge and the Idea of Friendship*. 1789-1804 Newark: University of Delaware Press.
- Wierzbicka, A. (1991). *Cross-Cultural Pragmatics: The semantics of human interaction*. Berlin: Mouton de Gruyter Original edition, Berlin: Mouton de Gruyter.
- Wolfson, N. (1983). “An Empirically based analysis of complimenting in American English”. In N. Wolfson and E. Judd (Eds.), *Sociolinguistics and Language Acquisition*. Rowley, MA: Newbury House. 82-95

